بدون عنوان

شماره پرسش: ۴۵۲

تاریخ ارسال پرسش: ۰۶:۰۰:۰۰ ۱۳۸۸/۱۱/۲۱

متن پرسش

بسم الله الرحمن الرحیم باسلام خدمت استادعزیزم درزیارت اربعین خواندیم قتیل العبرات(کشته اشکها) دقیقااین عبارت به چه معنایامعانی ای هست؟

متن پاسخ

علیکم السلام باسمه تعالی در مورد حضرت سیدالشهداء«علیه‌السلام» هست که امیرالمؤمنین«علیه‌السلام» در همان کودکی حضرت«علیه‌السلام» به او فرمودند: «یا عَبْرةِ کُل مؤمنٍ» ای عامل اشک هر مؤمن. معلوم است که حضرت سیدالشهداء«علیه‌السلام» مأموریتی داشتند تا از طریق اشکی خاص، که همان اشک برای آن حضرت است، جهت جهان اسلام را از حالت اسلام خشک قالبی به اسلام قلبی و معنوی تبدیل کنند و در همین راستا در زیارت اربعین عرضه می‌داریم؛ حضرت کشته‌ی اشک‌هایی هستند که موجب برگشت به معنویت قلبی می‌گردد. در کتاب شرح زیارت عاشورا با ویرایش جدید عرایضی دارم که عینا خممتتان ما آورم « قضیه‌ی کربلا یک فرهنگ فوق العاده‌ای است، انسانِ کاملی به صحنه آمده است و مأمور است در راستای ادامه‌ی نهضت خود موضوع اشک بر شهدای کربلا را جهت اصلاح بشریت به نحوی خاص جزء مأموریت خود قرار دهد به همین جهت در روایات متعدد روی گریه برای شهدای کربلا تأکید شده است. حتی از قبل مشخص است که حضرت اباعبدالله«علیه‌السلام» چنین مأموریتی را به عهده دارند. در روایت داریم حضرت امیرالمؤمنین«علیه‌السلام» به امام حسین«علیه‌السلام» فرمودند: «یَا عَبْرَةَ کُلِّ مُؤْمِنٍ فَقَالَ أَنَا یَا أَبَتَاهْ؟ فَقَالَ نَعَمْ یَا بُنَیَّ»؛ ای عاملِ اشک هر مؤمنی! امام حسین«علیه‌السلام» سؤال کردند، مرا می‌فرمائید ای پدر؟ حضرت فرمودند: آری ای پسرم. چون این اشک، اشک جبران آن کمالی است که از آن دور افتاده‌ایم و امام حسین«علیه‌السلام» و اصحاب آن حضرت ما را متوجه آن کمال می‌نمایند. حضرت سیدالشهداء«علیه‌السلام» می‌فرمایند: «أَنَا قَتِیلُ الْعَبْرَةِ لَا یَذْکُرُنِی مُؤْمِنٌ إِلَّا اسْتَعْبَرَ» من کشته‌ام برای اشک، مؤمن یادم نکند جز آنکه گریه‌اش گیرد. اشکی که در شیعه هست با ناراحتی‌های عاطفی و احساساتی فرق اساسی دارد، اشک برای حسین«علیه‌السلام» عامل رابطه‌ی انسان با مقاصد قدسی است و لذا نه تنها شادی و نشاط را از شیعیان نمی‌گیرد، بلکه شادی و نشاط در زندگی شیعیان موج می‌زند. ولی نباید آن را با لذت‌گرایی یکی گرفت، زیرا تفاوت زیادی است بین آن شادی که با پرهیزگاری همراه است و روح معنوی دارد با آنچه امروز در غرب هست که لذت‌گرایی، مقصد و معبود شده است. در شیعه، شور زندگی با یادآوری غمِ غربت نسبت به عالم قدس همراه است و با فرهنگِ

«مرگ‌آگاهی» راه خود را از قهقهه‌های اهل غفلت جدا کرده و سعی دارد خود را در فرحِ حضورِ با حق حفظ کند و اشک بر حسین«علیه‌السلام» طلب آن فرح است و آن‌هایی که غمِ غربت در این دنیا را می‌شناسند، می‌فهمند حزن مقدس چه حلاوتی دارد و مواظب‌اند گرفتار لذت‌گرایی و خوش‌گذرانیِ اهل دنیا نشوند و از ارتباط با حقایق وجودی عالم محروم نگردند. از آن‌جا که همگی ما مرگ را در پیش خود می‌نگریم ممکن نیست چون غافلانِ از غیب و قیامت از زندگی لذّت مستانه ببریم و لذا فرهنگ شیعه در این «مرگ‌آگاهی» راه خود را از قهقهه‌های مستانه‌ی اهل غفلت جدا کرده است و با حزنی معنوی در فرحِ حضور است و متوجه است که ما در مقام موجوداتی معنوی با این عالم بیگانه‌ایم و یک نحوه باطن‌گرایی را دائماً مدّ نظر داریم. شیعه با پیروی از ائمه(علیهم السلام) این نکته را دائماً مدّ نظر دارد که این جهان ناقص‌تر از آن است که بتوان در آن با نور حقیقت به طور کامل ارتباط پیدا کرد. و اگر این غم مقدس نبود عناصر شادی‌بخشِ افراطی بر زندگی شیعه غالب می‌شد و به مردمی تبدیل می‌شدند که بیشتر لذت‌گرا و خوش‌گذرانند. رسول خدا(ص) فرمودند: «كُلُّ عَيْنٍ بَاكِيَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا عَيْنٌ بَكَتْ عَلَى مُصَابِ الْحُسَيْن»؛ هر چشمی فردای قیامت گریان است غیر از چشمی که در مصیبت حسین«علیه‌السلام» گریه کند. روایت فوق خبر از عمق تأثیر اشک بر امام حسین«علیه‌السلام» در عمیق‌ترین ابعاد انسان می‌دهد که در قیامت ظاهر می‌شود. آن‌کس که عاطفه‌ی خود را درست مدیریت کند و بخواهد بهترین مصداق را جهت تغذیه‌ی عواطف بیابد، می‌پذیرد اشک برای اباعبدالله«علیه‌السلام» موجب صیقل قلوب و گشادگی روح می‌شود و عامل رشد ایمان و حفظ آن از یک طرف و دوری از دنیا و صفات رذیله از طرف دیگر می‌گردد. اشک برای حسین «علیه‌السلام» نمونه‌ی به فعلیت رسیدن ایمان است. زیرا ایمانی که به پاک‌کردن قلب و زلال‌ساختن دل و دگرگونی آن منتهی نشود، ایمانِ فعلیت‌یافته نیست و نمی‌توان به وسیله‌ی آن ، انس با خدا را از یک طرف و ایثار و فداکاری و جهاد را از طرف دیگر به دست آورد و از نفاق درونی رهایی یافت. اشک برای حسین «علیه‌السلام» موجب احیاء قلوب و آزادی عقل از اسارت هوس‌ها و غفلت‌ها است. در عین عطوف‌شدن، شجاعت به‌بار می‌آورد. و این قصه‌ی مؤمنی است که «سلاحُهُ‌الْبکاء» اسلحه‌ی او اشک است، پس آن اشکی که اسلحه‌ای برای مقابله با دشمن درونی و بیرونی نباشد، اشک بر حسین«علیه‌السلام» نیست. موفق باشید